**چكيده**

**جرم سياسى از جمله موضوعاتى است كه در قانون اساسى جمهورى اسلامى ايران مورد توجه خاص قرار گرفته و براى مقابله با آن از يك رژيم ارفاقى برخوردار گرديده است; اما على رغم تكليف قانون اساسى به قانونگذار عادى براى تعيين حدود و ثغور، شرايط و موضوعات مرتبط با آن، تاكنون قانونى در اين رابطه از تصويب قوه مقننه نگذشته است; هر چند در سالهاى اخير اقداماتى جهت انجام اين مهم صورت گرفته است.**

**لذا جهت‏بستر سازى براى تصويب قانونى جامع و كامل، در مقاله حاضر تعريف جرم سياسى از ديدگاههاى مختلف همراه با تعريف پيشنهادى، و همچنين اقسام آن مورد بحث و دقت نظر قرار گرفته و در پايان جرايمى كه داراى ماهيت‏سياسى هستند (مانند جرايم عليه امنيت‏خارجى) ولى از رژيم ارفاقى استثنا شده‏اند، مطرح گرديده است.**

**مقدمه**

**يكى از موضوعات قانون اساسى كه تا كنون اقدامى از سوى قانونگذار عادى نسبت‏به آن صورت نگرفته، موضوع اصل يكصد و شصت و هشتم مى‏باشد كه بر اساس آن مى‏بايست تعريف و شرايط جرم سياسى و نحوه انتخاب و اختيارات هيات منصفه طبق موازين اسلامى مشخص مى‏شد، ولى در قوانين جارى كشور قانونى در خصوص جرم سياسى ديده نمى‏شود. همچنين نمى‏توان با تمسك به قوانين مربوط به جرايم سياسى، آنها را از جرايم عمومى تمييز داد. (3) اين مساله، خاص سيستم حقوقى كشور ما نيست، بلكه در بسيارى از سيستهاى حقوقى كشورها مشاهده مى‏شود; البته در اكثر اين كشورها به مفهوم جرم سياسى اشاره شده و طرز برخورد با اين مجرمين از مجرمين عادى متمايز گشته است، و اقداماتى نيز براى تحقق اهداف مذكور در قوانين اساسى و عادى برداشته شده است.**

**يكى از مشكلات، موضوع تعريف « جرم سياسى » است. به بيان يكى از نويسندگان حقوقى اكثر قانونگذاريهاى جزايى به ميدان تعريف جرم سياسى وارد نشده و ترجيح مى‏دهند نسبت‏به آن سكوت كنند. به نظر ايشان ريشه و اساس سختى تعريف جرم سياسى آن است كه وصف « سياسى » يك تعبير بسيار گسترده است كه داراى معانى و توضيحات متفاوت مى‏باشد. اگر بگوييم جرم سياسى به جرايمى گفته مى‏شود كه كشف از خطر سياسى مى‏كند و يا براى مصلحتهاى اساسى نظام سياسى كشور مضر است، به قول ايشان اين تعريف، « تفسير كردن اصطلاحى بوسيله همان اصطلاح مبهم مى‏باشد »; چرا كه مصالح سياسى يا خطر سياسى مفاهيمى هستند كه خودشان نياز به تعريف و توضيح دارند. (4)**

**شايد به خاطر همين مشكلات بوده است كه بعضى از دانشمندان در خصوص اين نوع جرايم تعبير « جرم سياسى » را بكار نبرده و براى آن اسم ديگرى كه داراى مشكلات كمتر است، انتخاب كرده‏اند; مثل تعبير « جرايم عليه شخصيت دولت »، اما اين نام‏گذارى نيز مشكل ما را حل نمى‏كند. زيرا اين مساله در واقع بازى با كلمات، و جايگزين كردن الفاظى به جاى الفاظ ديگر مى‏باشد. چه اين كه اين تغييرات و جايگزين كردن ها مشكل اساسى ما كه همان ارائه تعريفى دقيق مى‏باشد را حل نمى‏كند. (5) ارائه تعريفى جامع از اين نوع جرايم نتايج عملى مهمى را به دنبال خواهد داشت; مثل نفى مجازات اعدام نسبت‏به آنها، برخوردارى از نظام خاص زندان كه منطبق با مجرمين سياسى باشد، و تمام امتيازاتى كه براى يك مجرم سياسى در نظر گرفته شده است.**

**يكى ديگر از مزيتهايى كه در جوامع انسانى نسبت‏به مجرمين سياسى مطرح است، اين است كه افكار عمومى مرتكبين آن را تا حدودى از اغماض و ارفاق نسبت‏به آنها، بهره‏مند مى‏سازد. زيرا داراى انگيزه شرافتمندانه بوده، و در راه اصلاح جامعه و نظام سياسى قدم برمى‏دارند.**

**يكى از نكات قابل توجه اين است كه آنچه گفته شده كه مجرم سياسى از انگيزه و هدف شرافتمندانه برخوردار بوده و ممكن است در آينده يكى از قهرمانان ملى جامعه خودش منظور گردد، چرا عمل وى جرم بوده و دولتها او را مجازات مى‏كنند؟**

**در پاسخ به اين سؤال، كه شايد ابتدايى و واضح باشد بايد گفت:**

**اولا نمى‏توان خطرناك بودن مجرم سياسى را انكار كرد; چرا كه اعمال ارتكابى اين دسته از افراد، تا حدى نظم عمومى را مختل مى‏كند، و به دنبال آن جرايم عليه اموال و اشخاص رو به افزايش مى‏گذارد.**

**ثانيا به عقيده يكى از حقوقدانان قبول داعى و انگيزه بى‏غرضانه براى مجرمين سياسى در غالب موارد مشكل مى‏باشد; براى آنكه عده‏اى هستند كه از روى حس انتقام و جاه‏طلبى و ... خود را اصلاح طلب و كسى كه به دنبال سعادت جامعه است، معرفى مى‏كنند. (6)**

**يكى ديگر از مشكلات آن است كه قانونگذار بعد از انقلاب اسلامى با تصويب قوانين جزايى بر اساس موازين اسلامى مرزى ميان محاربه و افساد فى الارض و بغى (جرم سياسى) قرار نداده است. مواردى از جرايم مذكور در قانون مجازات اسلامى از نظر مفهوم و محتوى، جرم سياسى هستند، ولى قانونگذار آنها را در حكم محارب قرار داده است و يا عنوان محاربه اطلاق كرده است; ولى واضح و بديهى است كه تفاوت ميان جرايم مذكور بسيار است.**

**حال براى آن كه بتوانيم قلمرو و حدود و ثغور جرم سياسى را بشناسيم مباحث را در دو گفتار به شرح زير خلاصه مى‏كنيم:**

**گفتار اول: جايگاه و تعريف جرم سياسى.**

**گفتار دوم: اقسام و استثنائات جرم سياسى.**

**گفتار اول: جايگاه و تعريف جرم سياسى**

**الف - جايگاه جرم سياسى در طبقه بندى جرايم**

**در حقوق جزاى عمومى جرايم را از حيثيتهاى مختلف تقسيم‏بندى و طبقه‏بندى مى‏نمايند. جايگاه جرم سياسى در ميان طبقه‏بندى جرايم از سوى حقوقدانان داراى شيوه واحد نمى‏باشد. بعضى از حقوقدانان و قوانين كشورها وقتى جرايم را تقسيم‏بندى كرده‏اند، جرم سياسى را در زمره طبقه‏بندى جرايم از حيث طبيعت و ماهيت جرم، دسته‏بندى كرده‏اند. (7) ماده 20 قانون مجازات عراق مقرر مى‏دارد: « تقسم الجرائم من حيث طبيعتها الى عادى و سياسية. » (8)**

**بعضى ديگر جرم سياسى را در ذيل بحث عنصر روانى مطرح كرده و گفته‏اند بر حسب عنصر روانى جرايم به دو دسته عمومى و سياسى تقسيم مى‏شوند; به عبارت ديگر جرم سياسى يكى از اقسام جرايم بر اساس عنصر اخلاقى است. (9)**

**قانون مجازات سوريه نيز تعريف و مواد مربوط به جرم سياسى را در ذيل عنوان عنصر روانى جرم آورده است. (10)**

**عده‏اى ديگر نيز جرم سياسى را در تقسيم‏بندى جرايم از حيث موضوع آنها، طبقه‏بندى كرده‏اند. يكى از حقوقدانان مى‏گويد مى‏توان از حيث موضوع، جرايم را به جرايم عليه اشخاص يا اموال، يا مؤسسات، يا حاكميت دولت و... تقسيم نمود. (11)**

**بعضى ديگر از حقوقدانان نيز جرم سياسى را از حيث عنصر قانونى طبقه‏بندى كرده و مى‏گويند يكى از تقسيم‏بنديهاى جرم از حيث عنصر قانونى، تقسيم جرايم به عمومى و سياسى و نظامى است. (12)**

**ب - تعريف جرم سياسى**

**همان گونه كه گفتيم ارائه يك تعريف دقيق از هر موضوعى خصوصا جرم سياسى بسيار مشكل است. تعبير « جرم سياسى » از دو كلمه « جرم » و « سياسى » و يك اضافه بين دو كلمه، تشكيل شده است. هر چند تعريف جرم و سياست تا حدودى روشن است، ولى بخاطر آن كه در تعريف سياست تشتت آراء و اختلاف نظر بسيار است، اضافه « جرم » به « سياسى » مطلب را مشكل مى‏نمايد. علاوه اين كه جرم سياسى، مانند ساير جرايم وجود عينى ثابت و مشخص ندارد، تا بتوان با توصيف عناصر تشكيل دهنده و ساير خصوصيات، آن را تعريف نمود. مفهوم جرم سياسى بطور رسمى در سال 1830 وارد قانون كشور فرانسه شد و از جرايم عادى جدا گرديد، (13) ولى تعريفى از آن ارائه نگرديده و بعدها، فقط به مصاديق آن اشاره شد. در قوانين ايران نيز تنها اسمى از جرايم سياسى و امتيازات آن برده شده، ولى تعريف خاصى از آن نشده است. لذا حقوقدانان ايرانى نيز با الهام از نوشته‏ها و متون خارجى بطور اجمال به اين موضوع پرداخته‏اند. در سطح بين المللى نيز از مدتها قبل توجه جدى به جرم سياسى بوده و در كنفرانسهايى از سوى مجامع بين‏اللملى براى تعيين حدود و ثغور و تعريف جرم سياسى تشكيل شده است. (14)**

**حال با اين مقدمه كوتاه به تعاريف ارائه شده از سوى قوانين بعضى از كشورها، دكترين، كنفرانسهاى بين‏المللى و پيش‏نويسهاى پيشنهادى لايحه مربوط به جرم سياسى در ايران پرداخته و سپس تعريف پيشنهادى را ارائه مى‏دهيم.**

**1 - تعريف جرم سياسى در حقوق خارجى:**

**در تعيين و تعريف جرم سياسى قانونگذاران بعضى از كشورها گاهى جرم سياسى را به وسيله تعريف قانونى مستقيما مشخص مى‏كنند; گاهى نيز قسمتى از جرايم را تحت عنوان جرم سياسى ذكر مى‏كنند; و گاهى بطور غير مستقيم، بدون تعريف كردن، يا مشخص كردن مصاديق جرم سياسى، وضع مجرمان سياسى را از نظر مجازات و طرز دادرسى تعيين مى‏كنند.**

**قانون كشورهايى مانند انگلستان و اسپانيا نيز اساسا جرم سياسى را مورد توجه قرار نداده و در سيستم حقوقى خود اشاره‏اى به آن نكرده‏اند، بلكه شرايط خاصى را براى مجرمان سياسى باز شناخته‏اند تا اگر صلاح دانستند آن شرايط را بر جرمهايى بار كنند. (15) هر چند به عقيده يكى از نويسندگان براى يافتن تعريف جرم سياسى در انگلستان بايد در رويه‏هاى قضايى و تفسيرهاى حقوقى جستجو كرد. (16)**

**قانون فرانسه هر چند مبادرت به تعريف جرم سياسى نكرده است و فقط به احصاى اين دسته از جرايم پرداخته است، ولى با اين وجود در مقدمه قانون 1927 م راجع به استرداد مجرمين در تعريف مجرم سياسى چنين مى‏گويد: « مجرم سياسى كسى است كه شور و حرارت ناشى از عقيده سياسى به اندازه‏اى او را به جلو رانده است كه مرتكب خلاف قانون شده است. » (17)**

**بعضى از قوانينى كه جرم سياسى را بطور كامل تعريف نموده‏اند به شرح زير است:**

**1/1 - ماده 3 قانون 1929 آلمان: در مورد استرداد مجرمين: « بزه سياسى هر عمل قابل كيفرى است كه بر ضد اساس كشور، يا امنيت آن، يا بر ضد رئيس كشور، يا بر ضد يكى از اعضاى دولت از آن جهت كه عضو حكومت است، يا بر ضد مجلس مؤسس، يا بر ضد حقوق سياسى انتخاب كننده يا انتخاب شونده، يا بر خلاف روابط حسنه با بيگانگان ارتكاب شود. » (18)**

**2/1 - ماده 8 قانون مجازات ايتاليا: « از نظر اجراى قوانين جزايى، جرمى كه عليه مصلحت‏سياسى كشورى باشد، يا عليه يكى از حقوق سياسى شهروندان انجام شود، جرم سياسى است; همچنين جرايم غير سياسى كه همه يا بعضى از انگيزه‏هاى ارتكاب آن سياسى باشد، جرم سياسى است. » (19)**

**3/1 - قانون مجازات ليبى: « بر اساس قانون جزايى هر جرمى كه عليه مصلحت‏سياسى دولت‏يا حق سياسى يكى از افراد باشد، همچنين هر جرم عادى كه انگيزه اساسى براى ارتكاب آن سياسى باشد، جرم سياسى محسوب مى‏شود. » (20)**

**4/1 - قانون مجازات عراق: « جرم سياسى عبارت از جرمى است كه با انگيزه سياسى يا عليه حقوق سياسى فردى يا عمومى افراد جامعه ارتكاب يابد. » (21)**

**5/1 - قانون مجازات سوريه: « 1 - جرايم سياسى عبارت از جرايمى است كه فاعل آن با انگيزه سياسى مرتكب آن گردد. 2 - همچنين جرايم عليه حقوق سياسى فردى و عمومى نيز جرم سياسى است; مادامى كه فاعل آن به خاطر انگيزه شخصى و پست، مرتكب آن جرم نشده باشد. » (22)**

**6/1 - قانون مجازات لبنان: نيز عينا تعريف جرم سياسى در قانون مجازات سوريه را بيان كرده است. (23)**

**2 - تعريف جرم سياسى از ديدگاه دكترين:**

**حقوقدانان نيز جرم سياسى را تعريف كرده‏اند كه به اهم آنها اشاره مى‏شود:**

**1/2 - ترمينولوژى حقوق، جرم سياسى را « جرم ناشى از فكر سياسى و يا از يك مؤسسه يا دستگاه سياسى » مى‏داند و در ادامه در تعريف جرم سياسى به معناى خاص مى‏گويد: « در معنى اخص جرمى است كه مخالف نظام سياسى داخلى و يا خارجى كشور باشد; مانند توطئه براى تغيير شكل حكومت. » (24)**

**2/2 - « جرم سياسى عمل مستحق كيفرى است كه با انگيزه و هدف سياسى، مستقيما تشكيلات سياسى مملكت و اساس حكومت و حقوق سياسى افراد را مورد حمله و تعرض قرار مى‏دهد. » (25)**

**3/2 - « بطور كلى جرم سياسى به عمل مجرمانه‏اى اطلاق مى‏شود كه هدف آن واژگون كردن نظام سياسى - اجتماعى و بر هم زدن نظم و امنيت كشور باشد. » (26)**

**4/2 - « جرم سياسى به عمل مجرمانه‏اى اطلاق مى‏شود كه در آن انگيزه سرنگونى نظام سياسى و اجتماعى و اختلال در ديريت‏سياسى و صدمه به زمامدارى كشور بوده و يا هر عمل مجرمانه‏اى كه نتيجه آن سرنگونى نظام سياسى و اجتماعى و صدمه به مقامات سياسى و رئيس كشور باشد; اين جرم ممكن است‏به تنهايى و يا همراه با ساير جرايم عمومى، اجتماعى و امنيتى اتفاق افتد. » (27)**

**5/2 - « جرايم سياسى داراى عنوان سياسى هستند كه بر ضد مصالح سياسى كشور و يا بر ضد حقوق سياسى يكى از اهالى ارتكاب شده باشد. علاوه بر اين، جرايم عمومى كه مقدمه ناگزير جرايم سياسى باشند و اعمال مادى آنها بطور عمده جرم سياسى را تشكيل مى‏دهند، جرم سياسى محسوب است. » (28)**

**6/2 - در متون خارجى نيز جرم سياسى بدين شرح تعريف شده است:**

**existing political system.a position of Political Power by actions in compatiable with the rulesof the The classical political offense is that of attempting to abtian or todamage (29)**

**جرم سياسى سنتى عبارت است از تلاش براى سرپيچى يا لطمه زدن به يك موقعيت قدرت سياسى بوسيله اعمال مخالف و ناسازگار با قواعد سيستم سياسى موجود.**

**7/2 - همچنين در تعريف جرم سياسى گفته شده است:**

**; specific crime. sedition. It includes any violent political disturbance without refrenceto Political crime: in general any crime dirctly against the government. e.g.treason (30)**

**يعنى جرم سياسى عموما به هر جرمى كه مستقيما عليه حكومت انجام شود، مثل خيانت‏به مملكت و آشوبهاى سياسى، گفته مى‏شود. اين نوع جرم هر گونه تشنج و ناآرامى سياسى خشونت‏آميز بدون ارجاع به يك جرم خاص را شامل مى‏شود. در ادامه در ذيل اصطلاح Political offenses ] »مى‏گويد: جرايم سياسى همان جرايم مربوط به حمله به امور نظام سياسى در يك كشور و همچنين جرايمى كه به منظور كسب اهداف سياسى صورت مى‏گيرد، مى‏باشد. همچنين تاكيد مى‏كند كه تعيين ماهيت اين نوع جرايم بيشتر مربوط به شرايط وقوع آنها مى‏باشد.**

**8/2 - « جرم سياسى عبارت از هر عملى است كه به خاطر يك هدف يا انگيزه سياسى، انجام گيرد; اين عمل ممكن است داراى انگيزه سياسى باشد ولى به صورت مجرمانه انجام گيرد. » (31)**

**2 - « ليت » مى‏گويد: « جرم سياسى عمل قابل مجازاتى است كه بر ضد حقوق‏سياسى كشور يا حقوق سياسى افراد صورت گيرد. » (32)**

**10/2 - « پروفسور بلانش » معتقد است « جرايمى را بايد سياسى شناخت كه انگيزه و هدف آنها سياسى باشد. » (33)**

**11/2 - « تربوتين » مى‏گويد: « جرمى كه بدون زيان رساندن به منافع خصوصى افراد و بدون داشتن عنوانى از جرايم اختصاصى، متعرض تشكيلات عمومى كشور به منظور تغيير دادن يا مختل كردن آن تشكيلات شود. » (34)**

**12/2 - « پرفسور گارو » مى‏گويد: « جرم سياسى جرمى است كه موضوع منحصر آن تخريب يا تغيير يا تزلزل يك يا چند عنصر از عناصر نظام سياسى باشد. » (35)**

**با ملاحظه تعاريف ارائه شده از سوى دكترين به اين نتيجه مى‏رسيم كه بعضى از آنها تنها به نفس عمل ارتكابى توجه كرده‏اند; به عبارت ديگر جرمى را سياسى مى‏دانند كه (براى مثال) به نظام سياسى كشور لطمه وارد كند، چه انگيزه سياسى باشد يا اين كه انگيزه سياسى در بين نباشد. اما بعضى ديگر از تعاريف صرفا به مواردى اشاره كرده‏اند كه در صورتى جرم، سياسى خواهد بود كه با هدف و انگيزه سياسى ارتكاب يابد; در حالى كه تعدادى از جرايم داراى ماهيت‏سياسى وجود دارد كه اين نوع تعريفها، آنها را شامل نمى‏شود. نكته ديگر اين كه در تعاريف ياد شده هيچ كدام به فردى يا گروهى بودن، جرم سياسى اشاره نكرده‏اند. البته عده‏اى از حقوقدانان نيز معتقدند تعريف جرم سياسى يكى از دشوارترين كارهاى حقوق استرداد است و « اوپنهام » كه يكى از حقوقدانان معروف است مى‏گويد اصلا تعريف آن غير ممكن است. (36)**

**3 - تعريف جرم سياسى از ديدگاه مجامع بين‏المللى**

**در بعضى از مجامع بين‏المللى كه در ابتداى گفتار بدانها اشاره شد جرم سياسى را مطرح و بعضى از آنها جرم سياسى را تعريف كرده‏اند:**

**1/3 - كنفرانس بين‏المللى وحدت حقوق جزا سال 1935 م در كپنهاگ:**

**« جرايمى كه عليه تشكيلات و انجام وظيفه تشكيلات و انجام وظيفه كشور انجام مى‏گيرد و همچنين جرايمى كه عليه تشكيلات و طرز اداره حكومت و همچنين حقوق ناشى از آن براى افراد، ارتكاب شود. » (37)**

**البته يكى ديگر از نويسندگان تعريف كنفرانس كپنهاگ را به نحو ديگرى نقل مى‏كند: « جرم سياسى عبارت از جرمى است كه عليه تشكيلات و طرز اداره حكومت و همچنين عليه حقوق ناشى از آن براى افراد ارتكاب شود. » (38)**

**لازم به ذكر است كه در قطعنامه مصوب كپنهاگ تصريح شده است كه: « جرايمى كه مرتكب آن هدف خود خواهانه و حقارت‏آميز داشته باشد، سياسى تلقى نمى‏شود. » (39)**

**2/3 - مؤسسه حقوق بين‏الملل در سال 1982 م در ژنو تصميم زير را اتخاذ كرد: « جرايمى كه بر ضد مبانى هر گونه تشكيلات اجتماعى ارتكاب يابد و هدف آن يك كشور معين و يا شكل خاص حكومت نباشد، جرم سياسى به شمار نمى‏آيد. » (40) مفهوم مخالف آن اين است كه چنانچه هدف مجرم، كشور معين يا شكل خاصى از حكومت‏باشد، جرم مورد نظر، سياسى خواهد بود.**

**4 - تعريف جرم سياسى در پيش‏نويسهاى پيشنهادى لايحه جرم سياسى در ايران**

**در سالهاى اخير اقدامات جدى از سوى مراجع ذى صلاح نسبت‏به تدوين قانونى جامع در مورد جرم سياسى و نحوه رسيدگى به آن در محاكم دادگسترى، صورت گرفته است. هر كدام از تعاريف ارائه شده را نقل و مورد تجزيه و تحليل قرار مى‏دهيم:**

**1/4 - « جرم سياسى عبارت است از افعال و اقدامات گروههاى سياسى قانونى كه بدون اعمال خشونت و درگيرى، به منظور مقابله با سياستهاى داخلى و خارجى دولت جمهورى اسلامى ايران انجام مى‏گيرد. » (41)**

**تعريف فوق از چهار ركن اساسى تشكيل گرديده است. آن چهار ركن عبارتند از:**

**الف - افعال: جرم سياسى از افعال انجام گرفته توسط گروههاى سياسى تشكيل مى‏شود.**

**ب - گروههاى سياسى قانونى: جرم زمانى وصف سياسى خواهد داشت كه: اولا توسط يك گروه سياسى انجام گيرد; و ثانيا گروه مورد نظر از لحاظ قانونى اجازه فعاليت داشته باشد.**

**ج - بدون اعمال خشونت: اگر عمل وى با خشونت و درگيرى انجام شود از زمره جرايم سياسى خارج خواهد شد.**

**د - انگيزه مقابله با سياستهاى داخلى و خارجى دولت: اگر انگيزه مزبور در نزد مجرم نباشد، جرم مورد نظر محقق نخواهد شد.**

**ضمن اين كه پيش نويس مذكور در ماده 2 مصاديقى را براى جرم سياسى بر شمرده است كه اگر با تعريف ارائه شده در ماده 1 تطبيق كند، از مصاديق جرم سياسى خواهد بود. (42) يكى از موارد قابل توجه در تعريف فوق اين است كه جرم سياسى را منحصرا از ناحيه گروههاى سياسى قانونى قابل تحقق مى‏داند و جرايم فردى و همچنين گروههاى سياسى غير قانونى را سياسى نمى‏داند. يكى از مشكلات گروهى بودن آن است كه آيين دادرسى آن چگونه خواهد بود. چون ابتدا بايد ثابت كنيم كه آيا مسؤول يك حزب، مسؤول افعال اعضاى خود است؟ حال اگر از اين اشكال نيز چشم پوشى كنيم، آيا در زمانى كه هيچ گروه و حزب رسمى و قانونى نباشد، جرم سياسى هم وجود نخواهد داشت؟ پاسخ آن قطعا منفى است چرا كه جرم سياسى هميشه قابل تحقق بوده، و هست.**

**به نظر مى‏رسد با توجه به ماده 1 (تعريف جرم سياسى) و ماده 2 (مصاديق جرم سياسى) از طرفى مثل قانونگذار فرانسه مصاديق جرم سياسى را بيان كرده و از طرفى تعريف جرم سياسى را نيز مثل كشورهاى ديگر ارائه كرده است. ضمن اين كه با توجه به مواد مذكور نمى‏خواهيم جرم انگارى كنيم، بلكه مى‏خواهيم بعضى از مواردى كه در قانون جرم است را با پوشش جرم سياسى مورد ملاحظه و رسيدگى قرار دهيم.**

**2/4 - تعريف دوم: « فعل يا ترك فعلى كه مطابق قوانين موضوعه قابل مجازات است هرگاه با انگيزه سياسى عليه نظام سياسى مستقر و حاكميت دولت و مديريت‏سياسى كشور و مصالح نظام جمهورى اسلامى و يا حقوق سياسى، اجتماعى و فرهنگى شهروندان و آزاديهاى قانونى آنان ارتكاب يابد، جرم سياسى به شمار مى‏آيد، مشروط به آنكه مقصود از ارتكاب آن نفع شخصى نباشد. » (43)**

**اين تعريف نيز داراى اركانى به شرح زير است:**

**الف - فعل**

**ب - ترك فعل**

**ج - قابل مجازات بودن آن فعل يا ترك فعل مطابق قوانين موضوعه**

**د - انگيزه سياسى**

**ه - عليه نظام سياسى مستقر، حاكميت دولت، مديريت‏سياسى كشور... حقوق سياسى شهروندان، حقوق فرهنگى شهروندان و آزاديهاى قانونى آنها ارتكاب يابد.**

**و - ارتكاب جرم براى منافع شخصى نباشد.**

**اين پيش نويس نيز در ماده 2 مصاديقى از جرم سياسى را كه منطبق با تعريف آن در ماده 1 باشد، بر شمرده است. مصاديق ذكر شده در ماده 2 عبارتند از: ماده 498، 499، 500، 517، 570، 609، 610، 697 و 698 ق.م.ا. مصوب 1375. همچنين كليه جرايم انتخاباتى (جرايم مندرج در قوانين انتخابات مجلس شوراى اسلامى، رياست جمهورى و مجلس خبرگان); جرايم مندرج در قانون فعاليت احزاب، جمعيتها و انجمنهاى سياسى و صنفى و انجمنهاى اسلامى يا اقليتهاى دينى شناخته; و جمع‏آورى اطلاعات، اسناد طبقه‏بندى شده راجع به سياست داخلى يا خارجى كشور با هدف بر هم زدن امنيت كشور و يا افشاء و انتشار آنها و نيز قرار دادن اطلاعات مذكور در اختيار افرادى كه صلاحيت دسترسى به آنها را ندارند، مشروط بر اين كه از مصاديق جرم جاسوسى نباشد.**

**پيش نويس فوق جرم سياسى را فردى مى‏داند و هم او را قابل تعقيب مى‏داند، اعم از اين كه عضو حزب يا گروهى باشد، يا نباشد. به عبارت ديگر تعريف فوق شامل فعاليتهاى گروهى نيز مى‏شود، ولى افراد آنها مورد محاكمه و مجازات قرار مى‏گيرند، چون زمانى گروه مورد تعقيب قرار مى‏گيرد كه بخواهيم گروه را مجازات كنيم; مثلا حزب را تعطيل كنيم.**

**لازم به ذكر است كه در پيش‏نويسهاى مذكور هم از ضابطه مختلط (44) و هم از روش بر شمردن مصاديق جرم سياسى استفاده كرده است.**

**حال با توجه به تعاريف ارائه شده در قوانين كشورها، دكترين، مجامع بين‏المللى و تعريف پيش‏نويس‏هاى مذكور تعريف پيشنهادى كه از مجموع آنها الهام گرفته شده و به نظر صحيح‏تر مى‏باشد ارائه مى‏گردد.**

**5 - تعريف پيشنهادى:**

**« فعل يا ترك فعل مجرمانه‏اى كه با انگيزه خير خواهانه و بدون در نظر گرفتن نفع شخصى و بدون اعمال خشونت و درگيرى، عليه نظام سياسى مستقر (مشروع) و حاكميت دولت و مديريت عالى كشور و مصالح نظام جمهورى اسلامى و يا حقوق و آزاديهاى سياسى و قانونى شهروندان ارتكاب يابد، جرم سياسى ناميده مى‏شود. »**

**ويژگيهاى تعريف عبارتند از:**

**1 - با اين تعريف قصد ايجاد جرايم جديد نداريم بلكه يك سرى از جرايم پيش‏بينى شده در قوانين جارى كشور كه داراى اهيت‏سياسى است، با اين تعريف تحت پوشش جرم سياسى و امتيازات مربوط به آن قرار مى‏گيرند.**

**2 - براى تحقق جرايم سياسى لزوما نبايد فعل باشد، بلكه از طريق ترك فعل نيز قابل تحقق است.**

**3 - جرايم مورد نظر بايد عليه تشكيلات سياسى كشور از قبيل حاكميت دولت، نظام سياسى مشروع، مصالح كشور و... و همچنين حقوق و آزاديهاى سياسى از قبيل حق انتخاب شدن و انتخاب كردن، آزادى بيان و اجتماعات و... ارتكاب يابد.**

**4 - جرم سياسى لزوما بايد با انگيزه سياسى و خير خواهانه انجام گيرد و منافع شخصى و اهداف حقارت‏آميز مثل انتقام، جاه‏طلبى و... در بين نباشد.**

**5 - همچنين بدون اعمال خشونت و درگيرى انجام گيرد.**

**گفتار دوم: اقسام و استثنائات جرم سياسى**

**الف - اقسام جرم سياسى و تاملى در برخى از جرايم**

**1 - اقسام جرم سياسى: (45)**

**در جرايمى كه انگيزه‏هاى سياسى يا صدمه رساندن به حكومت و حقوق سياسى افراد مطرح است، مى‏توان جرايم سياسى را به دو دسته كلى تقسيم كرد:**

**1/1 - جرايم سياسى محض (بسيط).**

**2/1 - جرايم سياسى نسبى.**

**1/1 - جرايم سياسى محض (بسيط)**

**به آن دسته از جرايم اطلاق مى‏شود كه صرفا بر ضد حكومت و نظام سياسى با اين وصف كه تشكيلات سياسى هستند ارتكاب مى‏يابد كه همان انگيزه سياسى است و هى چگونه هدف و انگيزه‏اى غير از آن نيست. به عبارت ديگر جرايم سياسى كه حائز هر دو مفهوم عينى و شخصى باشند آن را جرايم سياسى محض مى‏گويند.**

**رويه قضايى كشورهاى مختلف از جمله فرانسه جرم سياسى محض را مورد توجه قرار داده و جرمى را سياسى مى‏داند كه نظم مستقر در جامعه را به خطر بيندازد و بر ضد اساس حكومت‏يا حاكميت دولت ارتكاب يابد و باعث اختلال در نظم موجود - كه با قوانين اساسى تثبيت‏شده - مى‏گردد. (46)**

**2/1 - جرايم سياسى نسبى**

**اصطلاح جرايم سياسى نسبى به جرايمى اطلاق مى‏شود كه در اصل در زمره جرايم عادى و عمومى هستند، ولى به گونه‏اى با جرايم سياسى ارتباط دارند كه اين ارتباط موجب تعدد مادى يا معنوى جرايم مى‏گردد. به عبارت ديگر به جرايمى اطلاق مى‏شود كه ابتدا وصف سياسى بودن آنها روشن نيست. اين نوع جرايم به دو دسته تقسيم مى‏شوند:**

**1/2/1 - جرايم مركب با جرم سياسى.**

**2/2/1 - جرايم مرتبط به جرم سياسى.**

**1/2/1 - جرايم مركب با جرم سياسى**

**به آن دسته از جرايمى اطلاق مى‏گردد كه موضوع آن عادى است ولى با انگيزه سياسى انجام مى‏شود. به عبارت ديگر وقتى جرم مركب است كه در آن واحد هم به نظم سياسى و هم به حقوق عمومى ضرر و صدمه وارد مى‏كند. (47) مثل سوء قصد به جان رئيس جمهور براى تغيير حكومت كه از نظر عنصر مادى جرم مورد نظر از جرايم عمومى است و از لحاظ هدف و انگيزه، سياسى است. رويه قضايى در كشور فرانسه جرايم مركب را سياسى نمى‏داند در بسيارى از قراردادهاى استرداد بحث‏سوء قصد به جان افراد اشاره شده كه متعاقدين، استرداد از اين قبيل مجرمين را مى‏پذيرند; اين خود دليل آن است كه جرم مركب كامل يك جرم سياسى نيست; چون اگر داراى وصف سياسى بود، استرداد آن پذيرفته نمى‏شد.**

**البته مؤسسه حقوق بين‏المللى در سال 1892 م اين چنين مقرر كرد كه: « جرايم مركب و يا جرايم مرتبط به جرايم سياسى، جرايم سياسى به شمار مى‏آيد، مگر آنكه اين جرايم مركب و مرتبط از نظر اخلاقى و حقوق عمومى بسيار شديد باشد; مثل قتل، سم دادن و جرح شديد ارادى و با سبق تصميم و شروع به جرايمى از اين قبيل، نظير تجاوز به املاك به وسيله ايجاد حريق و مواد منفجره و... و همچنين دزديهاى شديد مخصوصا دزدى مسلحانه يا با آزار. » (48) چه اين كه بعضى از حقوقدانان نيز معتقدند كه در چنين جرايمى در اغلب سيستم‏هاى كيفرى به نظريه عينى توجه مى‏شود و به انگيزه و هدف مجرم توجهى نمى‏كنند، در نتيجه اين گونه جرايم در زمره جرايم عمومى قرار مى‏گيرند. (49)**

**2/2/1 - جرايم مرتبط (متصل) به جرم سياسى**

**جرم مرتبط عبارت از جرمى است كه به خاطر رابطه سببيت، به جرم سياسى مربوط مى‏باشد. « پروفسور پوزا » در تعريف اين نوع از جرايم مى‏گويد: « به جرايم حقوق عمومى كه به مناسبت‏حوادث سياسى مرتكب شوند، و به وسيله رابطه عليت‏به يك جرم سياسى مربوط باشند، جرم متصل (مرتبط) مى‏گويند. » (50) مثل غارت كردن يك مغازه اسلحه فروشى در جريان يك انقلاب يا شورش سياسى، جرم سياسى خواهد بود.**

**همچنين در قرارداد فرانسه و آلمان مورخ 29 نوامبر 1951، جرم مرتبط اين گونه تعريف شده است: « اعمال ارتكاب شده به منظور تدارك جرم سياسى، يا براى اجراى آن، يا تضمين فايده آن، يا تدارك مصونيت از مجازات، يا انجام شده به منظور مقابله با تحقق جرم سياسى، جرم مرتبط خواهند بود. » (51)**

**در اين كه اين نوع جرم نيز ملحق به جرايم سياسى است‏يا نه اختلاف نظر وجود دارد. در اين رابطه قانون مجازات لبنان و سوريه (52) به تبعيت از تصميم مؤسسه حقوق بين‏الملل در سال 1892 م، كه شرح آن گذشت، با دو شرط جرايم مرتبط و مركب را ملحق به جرايم سياسى مى‏داند. شرط اول آن كه جرايم مورد نظر در زمره جناياتى كه نسبت‏به اخلاق و حق عمومى خطر شديد دارند (مثل قتل، ضرب و جرح شديد، تجاوز به املاك با آتش زدن و...) نباشد. شرط دوم اين كه در حال جنگها يا شورشهاى داخلى اتفاق بيفتد مشروط بر اينكه با قوانين و مقررات جنگ در تعارض نبوده و از اعمال وحشيانه و تخريب نيز به دور باشد.**

**چنانكه ملاحظه مى‏گردد در اين جا از ضابطه افكار عمومى و رعايت مقررات و عرف جنگى استفاده شده و از ضابطه عينى و ذهنى براى تشخيص سياسى بودن جرم استفاده نشده است. قانون ايران نيز روش فوق را انتخاب نموده است. (53)**

**2 - تاملى در برخى از جرايم**

**1/2 - تروريسم**

**از زمان قتل پادشاه يوگسلاوى و رئيس جمهورى فرانسه به نام « بارتو » در سال 1934، تروريسم مورد توجه قرار گرفت و دولتها همكارى خود را براى مبارزه با چنين جرايمى آغاز نمودند. در اصطلاح حقوق بين‏الملل تروريسم داراى يك مفهوم و معناى خاص حقوقى نيست، بلكه مواردى از قبيل جرايم دولت عليه ديپلماتها، عليه اشخاص مورد حمايت مثل شهروندان در زمان جنگ، عليه افراد در خدمت دولتها، عليه هواپيماها و كشتى‏ها و... را شامل مى‏شود. (54) عناصر تروريسم عبارتند از: ترور، خشونتى كه باعث ايجاد رعب و وحشت در بين مردم باشد و هدف سياسى كه مرتبط با قدرت است. (55)**

**تروريسم در قوانين اغلب كشورهاى دنيا به عنوان يكى از جرايم عمومى تلقى شده‏اند ومقررات سختى درباره آنها به موقع اجرا گذشته مى‏شود. در كنفرانس 1937 ژنو كه دو كنوانسيون به تصويب رسيد. كنوانسيون اول مربوط به جلوگيرى و مجازات بين‏المللى تروريسم بود و كنوانسيون دوم تشكيل يك دادگاه بين‏المللى براى محاكمه و مجازات تروريسم پيش‏بينى كرد. (56) البته در كنفرانس كپنهاگ در سال 1935 اين مطلب به تصويب رسيد كه: « جرايمى كه خطر عمومى، يا حالت ترس و وحشت ايجاد كند، جزء جرايم سياسى محسوب نمى‏شود. » (57)**

**2/2 - جرايم اجتماعى (آنارشيسم)**

**از آن جا كه در جرايم اجتماعى آثارى كه از انگيزه مرتكبين آن بدست مى‏آيد، عمومى است و بر اساس اين ادعا كه براى منافع عموم مردم ارتكاب يافته، با جرايم سياسى شباهت دارد. ولى ويژگى جرايم اجتماعى آن است كه با ارتكاب آن تشكيلات اجتماعى از بين مى‏رود. اغلب كشورها چنين جرايمى را در زمره جرايم عمومى قرار مى‏دهند; و حتى مجازاتهاى شديدترى نسبت‏به اين دسته از مجرمين اعمال مى‏كنند. البته بعضى از كشورها جرايم سياسى و اجتماعى را در يك طبقه‏بندى قرار مى‏دهند، مثل قانون اساسى اسپانيا كه از نظر استرداد كليه مجرمين سياسى و اجتماعى را در يك طبقه‏بندى قرار داده است. (58)**

**3/2 - جرايم عليه امنيت‏خارجى كشور**

**اگر چه تعريفهاى ارايه شده براى جرم سياسى با جرايم عليه امنيت‏خارجى منطبق است; ولى از نظر انگيزه و هدف متفاوت بوده و شرافتمندانه و خير خواهانه نيست. از نظر يكى از حقوقدانان منطق سليم حكم مى‏كند كه در خصوص اين نوع جرايم سخت‏گيرى شود، براى اين كه درباره كسى كه مرتكب جرم جاسوسى يا خيانت‏به كشور مى‏شود، آن اعتقاد احترام به مجرمان سياسى وجود ندارد. (59) افكار عمومى نيز با ديده انزجار و تنفر به اين دسته از مجرمين مى‏نگرند. بعضيها استدلال كرده‏اند اگر جرايمى مانند جاسوسى در قديم عليه حكومت و كشور تلقى مى‏شد، ولى امروز چنين جرايمى تجاوز و تعدى بر افراد و كل جامعه به حساب مى‏آيد. چه اين كه ماده 198 قانون مجازات لبنان، بعد از آن كه مجازاتهاى مجرمين سياسى را برمى‏شمارد، مقرر مى‏دارد: « لا تطبق هذه الاحكام على الجرائم الواقعة على امن الدولة الخارجى. » (60)**

**4/2 - جرم محاربه و افساد فى الارض (61)**

**قانون مجازات اسلامى براى بعضى از جرايمى كه داراى ماهيت‏سياسى است (مثل جرايم عليه امنيت داخلى) عنوان محاربه اطلاق كرده و بعضى از آنها را در حكم محاربه مى‏داند. ولى نبايد اين مطلب را از نظر دور داشت كه هيچگونه شباهتى بين جرايم سياسى و جرم محاربه وجود ندارد. چرا كه:**

**اولا، از اركان محاربه آن است كه براى ايجاد رعب و وحشت و سلب امنيت و آزادى مردم جامعه ارتكاب مى‏يابد.**

**ثانيا، عليه مردم و نظم عمومى صورت مى‏گيرد. در حالى كه جرايم سياسى عليه حكومتها و نظامهاى سياسى ارتكاب مى‏يابد.**

**نكته سوم اين كه اگر ما عنوان « افساد فى الارض » را به عنوان تاكيد «محاربه‏» فرض كنيم، هيچ شباهت و سازگارى با جرم سياسى ندارد. چون جرم سياسى با هدف اصلاح و خير خواهانه ارتكاب مى‏يابد. (62)**

**لازم به ذكر است كه عده‏اى از فقهاى اسلامى نيز زمانى كه سخن از بغى را مطرح كرده‏اند، تاكيد دارند بر اين معنا كه جرم بغى غير از محاربه است و فرقهايى نيز براى آن دو جرم مطرح كرده‏اند. مهمترين آنها عبارتند از: (63)**

**1 - محارب از جهت فسق و عصيان و بدون هيچ مجوز شرعى قيام مى‏كند ولى باغى اين چنين نيست.**

**2 - جرم بغى عليه حكومت و بخاطر بركنارى و... حاكم جامعه انجام مى‏گيرد، در حالى كه محاربه براى گرفتن راه بر مردم، ايجاد رعب و وحشت‏بين عموم جامعه و... مى‏باشد. به عبارت ديگر انگيزه در جرم محاربه سرقت، راهزنى و امثال آنهاست ولى انگيزه در جرم بغى اصلاح و نجات جامعه است.**

**3 - براى محارب كيفرهاى شديدى در نظر گرفته شده است; در حالى كه در جرم بغى فقط در صورتى كه شروع به جنگ از ناحيه خروج كنندگان باشد با آنها جنگ مى‏شود تا زمانى كه تسليم بشوند و يا دست از جنگ بكشند. همچنين در جرم بغى رفتارهاى ارفاق‏آميز بسيارى بر خلاف محاربه وجود دارد.**

**4 - اگر در بغى و در حال درگيرى جرايم متناسب با جنگ و درگيرى توسط باغيان صورت گيرد، به عقيده بعضى از فقهاى اسلامى نسبت‏به آنها مبرا از مسؤوليت هستند; براى مثال اگر در حال جنگ كسى را به قتل برسانند، قصاص نخواهند شد.**

**نتيجه اين كه قانونگذار بايد عنوان محاربه را از بعضى از جرايم برداشته و مجازاتهاى ديگرى كه خفيف‏تر است را پيش‏بينى نمايد.**

**ب - استثنائات جرم سياسى**

**همانطور كه مى‏دانيم مجرم سياسى به لحاظ نفع شخصى مرتكب جرم نشده، و به نظر خود بر اساس نفع و مصلحت عمومى، عملى را مرتكب مى‏شود كه از لحاظ قانون جرم و قابل مجازات است. با اين بيان بعضى از جرايم داراى خصوصيتها و ويژگيهايى هستند كه با اين هدف و انگيزه همسويى ندارند. لذا قوانين بعضى از كشورها تعدادى از جرايم را ولو اين كه با انگيزه سياسى باشد و تعريف جرم سياسى شامل آن بشود، از عداد جرايم سياسى استثناء كرده‏اند. براى اين كه مصالحى كه در اثر اين نوع جرايم تهديد و مورد تعدى قرار مى‏گيرد، داراى اهميت‏بيشترى از آن اهدافى است كه در جرم سياسى دنبال مى‏شود. مثل قتل، ضرب و جرح شديد، آتش زدن، نهب و غارت، و امثال اين موارد كه خطر زيادى براى انسانها و جوامع بشرى دارد.**

**در قرار صادره توسط محكمه تجديد نظر فرانسه در سال 1932 تصريح گرديده است كه قتل رئيس جمهور اگر چه با هدف و انگيزه سياسى باشد، در عداد جرايم عادى است و سياسى محسوب نمى‏شود. چون با صرف داشتن انگيزه سياسى چنين جرمى را از طبيعت و ماهيت عادى بودن خود خارج نمى‏كند. قانونگذار فرانسه نيز در سال 1960 م، اين راى را تاييد كرد مبنى بر اين كه جرم عليه حيات رئيس دولت جزء جرايم سياسى به حساب نمى‏آيد. (64)**

**قوانين كشورهاى لبنان و سوريه نيز جرايمى مانند قتل، ضرب و جرح شديد، جرايم عليه امنيت‏خارجى مثل جاسوسى و خيانت و... را از عداد جرايم سياسى استثنا كرده‏اند. (65)**

**بند « الف » ماده 21 قانون مجازات عراق مقرر مى‏دارد: (66) «جرايم زير اگر چه با انگيزه سياسى ارتكاب يافته باشند، جرم سياسى نيستند:**

**1 - جرايمى كه با انگيزه پست و شخصى ارتكاب يافته باشند.**

**2 - جرايم عليه امنيت‏خارجى كشور.**

**3 - جرايم قتل و شروع به آن.**

**4 - جرم عليه حيات رئيس جمهور.**

**5 - جرايم تروريستى.**

**6 - جرايم عليه شرف مثل سرقت، اختلاس، تزوير، خيانت در امانت، رشوه و... »**

**همچنين لايحه‏هاى پيشنهادى مربوط به مقررات جرايم سياسى در ايران نيز تعدادى از جرايم را استثناء نموده‏اند. ماده 3 پيش‏نويس تهيه شده توسط معاونت پارلمانى وزارت دادگسترى مقرر مى‏دارد:**

**« هيچ يك از جرايم مشروحه ذيل همچنين ساير جرايم ضد امنيت داخلى و خارجى كشور، مذكور در قوانين جزايى جرم سياسى محسوب نمى‏گردد هر چند با انگيزه سياسى و به قصد تدارك جرم سياسى يا تضمين منافع آن و يا تسهيل وقوع آن تحقق يافته باشد:**

**الف - سوء قصد به جان اشخاص، ايراد ضرب و جرح و قتل عمدى با مباشرت يا معاونت و شروع به آن.**

**ب - آدم ربايى، گروگانگيرى و بازداشت غير قانونى اشخاص.**

**ج - بمب گذارى و تهديد به آن.**

**د - سرقت، آتش زدن، تخريب، خرابكارى و اتلاف عمدى اموال.**

**ه - غارت و تجاوز و تعدى به اموال عمومى.**

**و - تحريك مردم به درگيرى و جنگ با يكديگر.**

**ز - قاچاق، تهيه، خريد و فروش، نگهدارى و حمل سلاح و مهمات.**

**ح - جاسوسى و افشاء اسرار سياسى و نظامى كشور به نفع بيگانه.**

**همچنين لايحه پيشنهادى كميسيون حقوق بشر اسلامى در مورد جرم سياسى نيز شبيه ماده فوق مواردى را از عداد جرم سياسى استثناء كرده‏اند.**

**پى‏نوشت‏ها:**

**1) مقاله حاضر خلاصه رساله‏اى است كه با راهنمايى آقاى دكتر جعفر كوشا در دانشگاه مفيد نگارش و دفاع شده است.**

**2) دانش آموخته دانشگاه مفيد در كارشناسى ارشد حقوق جزا و جرمشناسى.**

**3) لازم به ذكر است‏شايد بتوان ازماده واحده لايحه قانونى رفع آثار محكوميتهاى سياسى مصوب 8/1/1358 تعريفى از جرم سياسى در ذهن مجسم كرد: « محكوميت كليه كسانى كه به عنوان اتهام به اقدام عليه امنيت كشور و اهانت‏به مقام سلطنت و ضديت‏با سلطنت مشروطه و اتهامات سياسى ديگر تا تاريخ 16/11/1357 به حكم قطعى محكوم شده‏اند، كان لم يكن و ملغى الاثر مى‏گردد و كليه آثار تبعى محكوميتهاى مزبور موقوف الاجرا خواهد بود. » (مجموعه قوانين سال 1358، نشريه روزنامه رسمى جمهورى اسلامى ايران، ص 1).**

**4) حومد، عبدالوهاب، الاجرام السياسى، ص 196 و 197.**

**5) همان .**

**6) على آبادى، عبدالحسين، حقوق جنايى، انتشارات فردوسى، چاپ سوم، 1373 ش، ج 1، ص 98.**

**7) استفانى، گاستون و ديگران، حقوق جزاى عمومى، ترجمه حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبايى، تهران، چاپ اول، 1377 ش، ج 1، ص 279; الخلف، على حسن، المبادى العامة فى قانون العقوبات، بى نا، بى چا، 1982 م، ص 298; محسنى، مرتضى، دوره حقوق جزاى عمومى ، ج 2، ص 297; عوده، عبدالقادر، التشريع الجنايى، ج 1 ، ص 100; فيض، عليرضا، مقارنه و تطبيق در حقوق جزاى عمومى اسلام، ص 228.**

**8) قانون العقوبات و تعديلاته (عراق)، تدوين صباح صادق جعفر، مكتبة النهضة، چاپ پنجم، 1997 م، ص 11.**

**9) صانعى، پرويز، حقوق جزاى عمومى، ج 1 ، ص 389; وليدى، محمد صالح، حقوق جزاى عمومى، دفتر نشر راد، تهران، چاپ سوم، 1374 ش، ج 2، صص 325 و 326; نجيب حسنى، محمود، شرح قانون العقوبات اللبنانى (القسم العام)، دار النهضة العربية، بيروت، بى چا، 1404 ق (1984 م)، ص 458 ; مدنى، جلال الدين، حقوق اساسى در ايران، ج 6، ص 328; على آبادى، عبدالحسين، حقوق جنايى ، ج 1، ص 97.**

**10) قانون العقوبات (سوريه)، تدوين ممدوح عطرى، 1998 م، ص 74 و 75.**

**11) العوجى، مصطفى، القانون الجنائى العام (النظرية العامة للجريمة)، مؤسسه نوفل، چاپ دوم، بيروت، 1988 م، ج 1، ص 221; جندى عبدالملك، الموسوعة الجنائيه، دار العلم للجميع، بيروت، چاپ دوم، بى تا، ج 3، ص 47.**

**12) افراسيابى، محمد اسماعيل، حقوق جزاى عمومى، انتشارات فردوسى، تهران، چاپ دوم، 1376 ش، ج 1، ص 340.**

**13) ماده 7 قانون جزاى 1830 فرانسه.**

**14) كنفرانس 1927 در ورشو; كنفرانس 1930 م در بروكسل; كنفرانس 1931 م در پاريس، كنفرانس 1932 م در مادريد; كنفرانس ژانويه 1935 م پاريس و كنفرانس 21 اوت 1935 م كپنهاگ. (زراعت، عباس، جرم سياسى، ص 17).**

**15) اصغرى، محمد، بررسى تطبيقى جرم سياسى، ص 33.**

**16) مدنى، جلال الدين، حقوق اساسى در جمهورى اسلامى ايران، ج 6، ص 332.**

**17) استفانى، گاستون و ديگران، همان، ص 280.**

**18) حومد، عبدالوهاب، الاجرام السياسى، ص 197 .**

**19) همان، ص 198.**

**20) تعد جريمة سياسية فى حكم قانون الجنايى كل جريمة تمس بمصلحة سياسية للدولة، او بحق سياسى لاحد الافراد، كما تعد جريمة سياسية الجريمه العادية التى يكون الدافع الاساسى لارتكابها سببا سياسا. » (ر.ك: الشرفى، على حسن عبدالله، الباعث و اثره فى المسؤولية الجنائية، ص 334 و 335).**

**21) ماده 21: « الجريمة السياسية هى الجريمة التى ترتكب بباعث‏سياسى او تقع على الحقوق السياسية العامة او الفردية و فيما عدا ذلك تعتبر الجريمة عادية... » (ر.ك: قانون العقوبات و تعديلاته (عراق)، تدوين صباح صادق جعفر، ص 11).**

**22) ماده 195: « 1 - جرايم السياسية هى الجرائم المقصودة التى اقدم عليها الفاعل بدافع سياسى. 2 - و هى كذلك الجرائم الواقعة على الحقوق السياسية العامة و الفردية ما لم يكن الفاعل قد انقاد لدافع انانى دنئ » (ر.ك: قانون العقوبات (سوريه) تدوين ممدوح عطرى، ص 75).**

**23) ماده 196 قانون مجازات لبنان نيز عبارت قانون سوريه را آورده است. (ر.ك: زاكى صافى، طه، المبادى الاساسية لقانون العقوبات اللبنانى، مؤسسة الحديثة للكتاب، بيروت، چاپ اول، 1993 م، صص 77 - 73).**

**24) جعفرى لنگرودى، محمد جعفر، ترمينولوژى حقوق، ص 192.**

**25) محسنى، مرتضى، همان، ص 322.**

**26) صانعى، پرويز، همان، ص 289; گرجى، ابوالقاسم، مقالات حقوقى، انتشارات وزارت ارشاد، تهران، چاپ اول، 1365 ش، ج 1، ص 332.**

**27) هاشمى، محمد، حقوقى اساسى جمهورى اسلامى ايران، ج 2 ، ص 645.**

**28) دادگرى، رسول، بزه سياسى، پايان‏نامه ليسانس، دانشگاه تهران، 1330 ش، ص 20.**

**29)**

**30)**

**31)**

**32) اصغرى، محمد، همان، ص 34.**

**33) و 4 - مدنى، جلال الدين، حقوق اساسى در جمهورى اسلامى ايران، ج 6، ص 332 و 333.**

**34)**

**35) گارو، مطالعات نظرى و عملى در حقوق جزا، ج 2 ، ص 225.**

**36) لواسور، ژرژ، مساله جرم سياسى در حقوق استرداد مجرمان، ترجمه مصطفى رحيمى، مجله كانون وكلا، ش 153 - 152 (پائيز و زمستان 1369)، صص 250 و 251.**

**37) معتمد، محمد على، حقوق جزاى عمومى، ج 1 ، ص 312.**

**38) و 4 - هاشمى، محمد، حقوق اساسى جمهورى اسلامى ايران، ج 2، ص 550.**

**39)**

**40) ستوده، نسرين، تعريف نامشخص جرم سياسى، روزنامه جامعه، ص 53، مورخ 8/3/1377، ص 11.**

**41) ماده 1 پيش‏نويس پيشنهادى « لايحه قانونى جرايم سياسى و نحوه رسيدگى به آن »، تهيه شده توسط معاونت‏حقوقى و امور مجلس وزارت دادگسترى.**

**42) ماده 2 پيش نويس: « مصاديق جرم سياسى عبارت است از:**

**الف - ارتكاب افعالى كه به نقض استقلال كشور منجر شود.**

**ب - هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات، انجام مصاحبه، تبانى و مواضعه با سفارتخانه‏ها، نمايندگيهاى ارگانهاى دولتى و احزاب و رسانه‏هاى جمعى كشورهاى خارجى در هر سطح و به هر صورت كه به آزادى، استقلال، وحدت ملى و مصالح جمهورى اسلامى ايران مضر باشد مشروط به اين كه از مصاديق جاسوسى شناخته نشود.**

**ج - دريافت هر گونه كمك مالى و تداركاتى از بيگانگان.**

**د - تلاش براى ايجاد يا تشديد اختلاف بين مردم با استفاده از زمينه‏هاى متنوع دينى، مذهبى، فرهنگى و نژادى موجود در ايران.**

**ه - شركت در احزاب، مجامع و اجلاسهاى سياسى خارج از كشور بدون اخذ مجوز از مراجع ذى صلاح.**

**و - افشا و انتشار اطلاعات، اسناد و تصميمات طبقه‏بندى شده مربوط به سياستهاى داخلى و خارجى كشور در صورتى كه از مصاديق جاسوسى شناخته نشود.**

**ز - نشر اكاذيب، شايعه پراكنى، انتشار اعلاميه، بيانيه و خبرنامه كه مفاد آن موجب تضعيف نظام باشد.**

**ح - تحريص‏و تشويق افراد و گروهها به ارتكاب اعمالى عليه حيثيت و منافع‏نظام جمهورى اسلامى‏ايران در داخل ياخارج از كشور.**

**ط - هتك حيثيت مقامهاى سياسى خارجى در قلمرو ايران با انگيزه صدمه به نظام جمهورى اسلامى ايران به شرط معامله متقابل.**

**43) ماده 1 پيش‏نويس پيشنهادى « لايحه قانونى تعريف جرم سياسى و نحوه رسيدگى به آن در محاكم دادگسترى » تهيه شده توسط كميسيون حقوق بشر اسلامى.**

**44) در مواردى كه هم وجود انگيزه سياسى و هم موضوع سياسى براى تحقق جرم سياسى لازم باشد، به آن ضابطه مختلط گفته مى‏شود.**

**45) الفاضل، محمد، المحاضرات فى الجرائم السياسية، ص 18 و 19.**

**46) نوربها، رضا، زمينه حقوق جزاى عمومى، انتشارات كانون وكلاى دادگسترى، تهران، چاپ دوم، 1375 ش، ص 251 (پاورقى).**

**47) استانبولى، اديب، شرح قانون العقوبات، نشر المرسلات، دمشق، چاپ دوم، 1990 م، ج 1، ص 300.**

**48) حسينى نژاد، حسينقلى، حقوق كيفرى بين‏الملل، نشر ميزان، تهران، چاپ اول، 1373 ش، ص 203.**

**49) وليدى، محمد صالح، حقوق جزاى عمومى، مركز نشر راد، تهران، چاپ سوم، 1374 ش، ج 2، ص 332.**

**50) معتمد، محمد على، همان، ص 316.**

**51) لواسور، ژرژ، همان، ص 253.**

**52) ماده 197 قانون مجازات لبنان (ر.ك: زاكى صافى، طه، همان منبع، ص 76 و 77); ماده 196 قانون مجازات سوريه (ر.ك: قانون العقوبات، تدوين ممدوح عطرى، ص 74).**

**53) ماده 8 قانون استرداد مجرمين مصوب 1339.**

**54)**

**55) Opcit, P. 218**

**56) افراسيابى، محمد اسماعيل، همان، ص 346.**

**57) الفاضل، محمد، همان، ص 39 و 40.**

**58) افراسيابى، محمد اسماعيل، همان، ص 345.**

**59) معتمد، محمد على، همان، ص 317.**

**60) عاليه، سمير، الوجيز فى شرح الجرائم الواقعه على امن الدولة، المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر، بيروت، چاپ اول، 1419 ق (1999 م)، صص 64 و 65.**

**61) ماده 183 ق.م.ا. مصوب 1370 : « هر كس براى ايجاد رعب و هراس و سلب آزادى و امنيت مردم دست‏به اسلحه ببرد محارب و مفسد فى الارض مى‏باشد. »**

**62) حبيب زاده، محمد جعفر، بررسى جرم محاربه و افساد فى الارض، انتشارات مؤسسه كيهان، تهران، چاپ اول، 1370 ش، صص 180 - 167.**

**63) الركابى، الجهاد فى الاسلام، دار الفكر المعاصر، دمشق و سوريه، چاپ اول، 1418 ق (1997 م)، ص 78 ; فتحى بهنسى، احمد، الموسوعة الجنائيه فى الفقه الاسلامى، ج 1، ص 257; كريمى، حسين، حدود الهى، انتشارات جهاد دانشگاهى صنعتى شريف، تهران، بى‏چا، 1361 ش، ج 1، ص 242 به بعد.**

**64) العوجى، مصطفى، همان، ص 233.**

**65) زاكى صافى، طه، همان، ص 77 - 75.**

**66) قانون العقوبات و تعديلاته (عراق)، ص 12.**